

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۴ جنوری ۲۰۲۵

گرگ‌های خاکستری:

ظهور ناسیونالیسم قومی و جوخه مرگ سیار ترکیه



«ما ارمنه را خواهیم کشت.» این شعار ترک‌های ملی‌گرا بود که در اکتوبر ۲۰۲۰ در حومه لیون فرانسه به راهپیمایی پرداختند. این جمعیت ۲۵۰ نفری که پرچم‌های ترکیه را به اهتزاز درآورده و دستان خود را به شکل نمادین سر گرگ بالا برده بودند، به سوی بنای یادبود قربانیان نسل‌کشی ارمنه در فرانسه پیشروی کردند. به گفته سخنگوی شورای هماهنگی سازمان‌های ارمنی در فرانسه، این گروه در «شکار» ارمنه بودند و به یادآوری نسل‌کشی ارمنه در اوایل قرن بیستم پرداختند.

این شکارچیان هویت خود را به وضوح آشکار کردند: عبارت «گرگ‌های خاکستری» با رنگ زرد روشن بر روی بنای یادبود اسپری شده بود. این امضاء با شعار دیگری نیز همراه بود «RTE»: مخفف نام رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان.

در پی این رویدادها، وزیر کشور فرانسه اعلام کرد که درصدد ممنوعیت گروه گرگ‌های خاکستری است. او اظهار داشت این سازمان «به تبعیض و نفرت دامن می‌زند و در اقدامات خشونت‌آمیز دخیل است.» او همچنین اشاره کرد که اعضای این گروه در یک «اردوی تسلیحاتی جوانان» که در سال ۲۰۱۹ در منطقه آردش فرانسه برگزار شده بود،

شرکت کرده‌اند. در مقابل، انقره بشدت به این اتهامات واکنش نشان داد. وزارت خارجه ترکیه این تصمیم را «ننگ‌آور» خوانده و قول داد که «به سخت‌ترین شکل ممکن پاسخ خواهد داد». اما این ملی‌گرایان افراطی چه کسانی هستند و چگونه علی‌رغم رفتار هایشان حمایت دولت ترکیه را جلب کردند؟

ظهور گرگ‌های خاکستری

گرگ‌های خاکستری به عنوان شاخه‌ی شبه‌نظامی حزب راست افراطی حرکت ملی (MHP) در سال ۱۹۶۹ توسط سرهنگ آلپ ارسلان تورکش تأسیس شدند. تورکش که علاقه‌ی زیادی به نقل‌قول از کتاب «نبرد من» آدولف هیتلر داشت، در دوران جنگ جهانی دوم رابط اصلی حزب نازی با ترکیه بود. تحت هدایت او، اعضای گرگ‌های خاکستری از ایده‌ی تأسیس «توران» حمایت کردند؛ یک دولت قومی-ملی که از ترکیه امروزی تا شرق چین امتداد یافته و تمام اقوام ترک را متحد می‌ساخت. ناسیونالیسم افراطی آنها با کمونیسم‌ستیزی شدید همراه بود. موضع آنها بر این نگرانی استوار بود که رشد چپ‌گرایان ترکیه ممکن است کشور را در دوران جنگ سرد به اتحاد جماهیر شوروی و علیه ایالات متحده متمایل کند. در دهه‌ی ۱۹۷۰، گرگ‌های خاکستری برای حفاظت از ترکیه در برابر تهدید کمونیسم تلاش کردند و در این مأموریت، از حمایت سازمان سیا و ناتو برخوردار بودند.

عملیات گلابیو: تغذیه گرگ‌ها

پس از پایان جنگ جهانی دوم، ترکیه از نظر ژئوپلیتیک برای ایالات متحده اهمیت حیاتی یافت. واشنگتن بشدت تلاش کرد تا ترکیه را به عضویت ناتو درآورد. با پیوستن ترکیه به ناتو در اپریل ۱۹۵۲، این کشور یک‌سوم از مرزهای ناتو با کشورهای پیمان وارسا را محافظت می‌کرد و بزودی بزرگترین نیروی نظامی اروپا را ایجاد کرد. تنها چند ماه پیش از تصویب عضویت ترکیه، ناتو با همکاری سازمان سیا عملیات بدنام گلابیو را آغاز کرد؛ تلاشی مخفیانه برای ایجاد شبکه‌های مسلح مقاومت ضدکمونیستی. در سال ۱۹۴۹، پنتاگون ترکیه را به‌عنوان «سرزمینی بسیار مناسب برای تأسیس واحدهای چریکی و ذخایر ارتش مخفی» شناسایی کرد. در این دوره، سرهنگ تورکش و گرگ‌های خاکستری در چارچوب ناتو ادغام شدند. علی‌رغم تمایلات نازی‌گرایانه‌ی تورکش، او یکی از اعضای بنیان‌گذار «اداره جنگ ویژه» ترکیه بود. این اداره، مرکز فرماندهی محلی عملیات گلابیو بود که در ترکیه به نام «ضدچریک» شناخته می‌شد. نفوذ آنها در دولت پنهان به حدی بود که گرگ‌های خاکستری عملاً از سازمان اطلاعات ملی ترکیه (میت) قابل تمایز نبودند. گرگ‌های خاکستری همچنین با «بلوک ضدبلشویکی ملت‌ها» که توسط سازمان سیا حمایت می‌شد، روابطی برقرار کردند. این سازمان توسط یاروسلاو استتسکو، یک همکار نازی اوکراینی، تأسیس شده بود و چتری برای مقاومت‌های ضدکمونیستی واکنشی بود.

وحشت گرگ‌ها

در ۱۲ مارچ ۱۹۷۱، در میان موجی از اعتراضات کارگری و درخواست‌های عمومی برای دست‌مزد منصفانه، ارتش ترکیه برای دومین بار پس از جنگ جهانی دوم قدرت را به دست گرفت. این کودتای نظامی آغازگر یک دهه خشونت سیاسی شد که به گفته‌ی دانیله گانسر، به «جنگ داخلی آشکار» شباهت داشت. در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، روزانه دست‌کم ۲۲ نفر در نتیجه‌ی خشونت‌های سیاسی در ترکیه کشته می‌شدند.

تحت حمایت برنامه ضدچریک، اعضای گرگ‌های خاکستری ستون فقرات شبکه «باقی‌مانده» بودند که ترورهای دهه ۱۹۷۰ را اجراء می‌کردند؛ از جمله قتل چپ‌گرایان، روزنامه‌نگاران و مخالفان. این سازمان حداقل ۲۸ اردوگاه نظامی ایجاد کرده و از سربازان بازنشسته برای آموزش و تربیت شبه‌نظامیان استفاده می‌کرد. یکی از روزنامه‌نگاران که توسط گرگ‌های خاکستری شکنجه شده بود، شنید: «ما ضدچریک هستیم. حتی رئیس‌جمهور هم نمی‌تواند به ما دست بزند.»

در اکتوبر ۱۹۷۸، آلپارسلان تورکش نخست‌وزیر وقت، بولنت اجویت، را «عروسک خیمه‌شب‌بازی کمونیست‌ها» توصیف کرد که باید «حذف شود.» تورکش گفت، چنین «سگ‌های مسکوی» حق زندگی در ترکیه را ندارند. چند ماه بعد، گرگ‌های خاکستری طی یک قتل‌عام ده‌روزه، بیش از ۱۰۰ نفر از جامعه علویان ترکیه را کشتند؛ حادثه‌ای که به عنوان «قتل‌عام ماراش» شناخته می‌شود. به گفته لاندوا، «راهپیمایی‌ها و تظاهرات یونیفورم‌پوشان و درگیری‌های خشونت‌آمیز گرگ‌های خاکستری با گروه‌های چپ‌گرا» موجب شد که این گروه با «گروه‌های جوانان فاشیستی و نازی» مقایسه شود.

ظهور عبدالله چاتلی

در این دوره از سرکوب تحت حمایت دولت، عبدالله چاتلی در سلسله‌مراتب گرگ‌های خاکستری به جایگاه بالاتری دست یافت. او که به دستور اداره جنگ ویژه برای ضدچریک فعالیت می‌کرد، به عنوان مجری سرکوب گرگ‌های خاکستری شناخته شد و به مقام دوم فرماندهی سازمان رسید. چاتلی که در قتل هفت فعال کارگری دست داشت، در سال ۱۹۷۸ مجبور شد از ترکیه به امریکای لاتین بگریزد، جایی که با نئونازی ایتالیایی، استفانو دله کیابه، همراه شد.

در می ۱۹۸۱، پاپ ژان پل دوم در میدان واتیکان هدف تیراندازی قرار گرفت و برای جراحی نجات‌بخش به بیمارستان منتقل شد. قاتل او دستگیر شد: علی آچا، عضو گرگ‌های خاکستری و دوست چاتلی. دو سال پیش از آن، این دو نفر برای قتل یک روزنامه‌نگار برجسته ترکیه نقشه کشیده بودند. تحقیقات رسمی درباره ترور پاپ ادعا کرد که این عملیات به دستور کاگب (KGB) انجام شده است. اما به گفته روزنامه‌نگار تحقیقی، لوسی کمیسار، «این ادعا هرگز ثابت نشده است و سناریوی منطقی‌تر این است که این یک توطئه راست‌گرایانه بوده است.» دانیله گانسر معتقد است که سیا شوروی را مقصر معرفی کرد تا توجه‌ها را از ارتباط خود با قاتل احتمالی منحرف کند. در سال ۱۹۹۰، تحلیل‌گر سابق سیا، ملوین گودمن، در کمیته اطلاعاتی سنا اعتراف کرد: «سیا هیچ مدرکی مبنی بر ارتباط کاگب با این طرح نداشت.»

سرکوب در ترکیه، آزادی در اروپا

سومین کودتای نظامی ترکیه در دوران پس از جنگ، در سپتامبر ۱۹۸۰ رخ داد. با حمایت سیا، جنرال اورن قدرت را به دست گرفت و وعده داد به خشونت‌هایی که دهه ۱۹۷۰ را گرفتار کرده بود، پایان دهد. گرگ‌های خاکستری و حزب حرکت ملی (MHP) در کنار مجموعه‌ای از دیگر احزاب ممنوع اعلام شدند و سرهنگ تورکش زندانی شد. دولت نظامی ترکیه در کیفرخواست خود علیه حزب حرکت ملی و گرگ‌های خاکستری، ۲۲۰ عضو این حزب و شاخه‌های وابسته به آن را به ۶۹۴ قتل متهم کرد.

در دهه ۱۹۸۰، رویدادهای خشونت‌آمیز مرتبط با گرگ‌های خاکستری در ترکیه بشدت کاهش یافت. اولویت‌های آنها تغییر کرده بود. اعضای این گروه پس از ممنوعیت، از ترکیه گریخته و به ساخت یک شبکه بین‌المللی پرداختند.

گزارش‌ها نشان می‌دهند که تا سال ۱۹۸۳، گرگ‌های خاکستری حدود ۱۸,۰۰۰ عضو در سراسر اروپا داشتند که متعهد به گسترش و دفاع از ایدئولوژی پان‌ترکیسم بودند. طی چهار دهه گذشته، نفوذ گرگ‌های خاکستری در سراسر اروپا به شدت گسترش یافته است.

گرگ‌ها در جنگ

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گرگ‌های خاکستری فرصتی برای گسترش پان‌ترکیسم و سازمان خود به سمت شرق پیدا کردند. در جریان اولین جنگ قریباغ کوهستانی که در سال ۱۹۸۸ آغاز شد، بسیاری از اعضای گرگ‌های خاکستری برای جنگیدن علیه ارامنه داوطلب شدند. در سال ۱۹۹۲، اسکندر حمیدوف گروه «بوز قورد» را در آذربایجان تأسیس کرد که به معنای «گرگ‌های خاکستری» به زبان آذری است. حمیدوف که در اوایل دهه ۹۰ به‌عنوان وزیر کشور آذربایجان فعالیت می‌کرد، نقش مهمی در جنگ قریباغ کوهستانی داشت. بوز قورد، اگرچه تابع همتای ترکی خود نبود، احساسات ملی‌گرایانه افراطی و تعهد به کمونیسم‌ستیزی را با آنها به اشتراک گذاشت.

گرگ‌های خاکستری، که در کنار جدائی‌طلبان چینی جنگیدند و گزارش شده است محموله‌های تسلیحاتی را به چین سازمان‌دهی کردند، از استقلال چین حمایت کردند و در سال ۱۹۹۵ برای رئیس‌جمهور دودایف نیرو آموزش دادند. در همان سال، رهبر تبعیدی گرگ‌های خاکستری، عبدالله چاتلی، در آذربایجان ظاهر شد، جایی که او و دیگر افراط‌گرایان سعی کردند دولت را سرنگون کنند اما موفق نشدند.

گرگ‌ها در المان، اتریش و بوسنی

المان بزرگترین جامعه ترک‌های مهاجر در جهان را دارد و خانه حدود ۳.۵ میلیون مهاجر ترک است. این کشور زمین حاصلخیزی برای گرگ‌های خاکستری برای جذب نیرو فراهم می‌کند. در راستای اهداف ضدکمونیستی، در اواخر دهه ۱۹۷۰ تلاش عمدی برای ایجاد «فضای روانی مطلوب» برای گرگ‌های خاکستری در بخش‌هایی از المان غربی انجام شد. این تلاش‌ها موفقیت‌آمیز بود و تخمین زده می‌شود که در حال حاضر حدود ۱۱,۰۰۰ عضو گرگ‌های خاکستری در المان وجود دارد، که آنها را به یکی از بزرگترین سازمان‌های راست‌گرای افراطی این کشور تبدیل کرده است.

اکثریت اعضای گرگ‌های خاکستری در المان در سه سازمان اصلی فعالیت می‌کنند. «فدراسیون انجمن‌های ایدئالیست دموکراتیک ترکیه در المان» (ADÜTDF) که در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد، دارای ۱۷۰ شعبه محلی است. پس از ممنوعیت گرگ‌های خاکستری در ترکیه پس از کودتای ۱۹۸۰، زیرساخت‌های سازمانی و منابع ADÜTDF به این گروه امکان داد تا فعالیت خود را در سراسر اروپا ادامه دهد. «اتحادیه انجمن‌های فرهنگی اسلامی ترکیه در اروپا» (ATIB) و «اتحادیه ترک‌های اروپا» (ATB) نیز شمار زیادی از اعضاء را در خود جای داده‌اند.

ارتباط با جرایم خشونت‌آمیز

در پشت این ظاهر رسمی، گرگ‌های خاکستری در المان ارتباط نزدیکی با جرایم خشونت‌آمیز دارند. گروه موتورسواری ملی‌گرای ترک، «عثمانیان المان BC»، در سال ۲۰۱۸ توسط دولت المان ممنوع شد، زیرا اعضای آن با اتهاماتی همچون اقدام به قتل، اخاذی، قاچاق مواد مخدر، محرومیت از آزادی و اجبار به فحشاء رویه‌رو بودند.

حمایت سیاسی از گرگ‌های خاکستری

دلیل مصونیت گرگ‌های خاکستری را در المان می‌توان در ارتباطات آنها با اتحادیه دموکرات مسیحی/اتحادیه سوسیال مسیحی (CDU/CSU) جست و جو کرد. در اواخر دهه ۱۹۷۰، نخست‌وزیر بایرن، فرانکس یوزف اشتراوس، که عضو CSU بود، مکرراً با آلپ‌ارسلان تورکش، بنیان‌گذار گرگ‌های خاکستری، ملاقات کرد. یکی از سیاستمداران CDU به نام هانس-اکهارت کاناپین نیز به فرستاده تورکش کمک کرد تا مجوز اقامت در المان را برای آغاز فعالیت خود دریافت کند.

در سال ۲۰۱۶، پس از انتقادات عمومی گسترده، اعضای CDU/CSU درباره ناسازگاری عضویت در گرگ‌های خاکستری با عضویت در حزب رأی‌گیری کردند؛ اما این پیشنهاد رد شد. در سال ۲۰۲۰، گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد سوکت آوجی، سیاستمدار حزب CDU در دویسبورگ، عضو گرگ‌های خاکستری است. زمانی که یکی از اعضای حزب این موضوع را گزارش داد، از او خواسته شد که سکوت کند و به آوجی بابت اتهاماتش عذرخواهی کند، آن هم «در نزدیکی انتخابات»

گسترش به اتریش و بوسنی

در سال‌های اخیر، خشونت گرگ‌های خاکستری به اتریش نیز گسترش یافته است. در جون ۲۰۲۰، یک تجمع زنان گُرد در وین که برای برجسته‌کردن نرخ رو به افزایش زن‌کشی برگزار شده بود، هدف حمله گروهی از گرگ‌های خاکستری قرار گرفت. تلاش‌هایی برای تأسیس سلول گرگ‌های خاکستری در بوسنی نیز انجام شده است. حسین چاکالی، که این تلاش‌ها را رهبری می‌کند، در مصاحبه‌ای با Balkan Insight پیشرفت خود را شرح داده است. اگرچه این گروه به‌طور رسمی در بوسنی ثبت نشده است، شعبه بوسنیایی گرگ‌های خاکستری صفحه‌ای در فیسبوک با بیش از ۵,۰۰۰ دنبال‌کننده دارد.

حضور در سوریه

حضور گرگ‌های خاکستری در جنگ داخلی سوریه «یک تلاش بی‌سابقه فرامرزی» است. این گروه ادعا می‌کند که برای حفاظت از ترکمن‌ها – ترک‌تباران سوری که عمدتاً در نزدیکی مرز ترکیه زندگی می‌کنند – فعالیت می‌کند. آنها در سال ۲۰۱۳ اقدام به تشکیل تیپ‌های ترکمن کردند و با ژست گرگ‌های خاکستری عکس گرفتند. این تیپ‌ها نام‌هایی برگرفته از حاکمان عثمانی، نظیر سلطان محمد فاتح، دارند.

تیپ‌های ترکمن عمدتاً در «دومین لشکر ساحلی» سازمان‌دهی شده‌اند که با کمک دولت ترکیه و رسانه‌های حامی دولت، مانند روزنامه‌های «ینی شفق» و «استار» تأسیس شده است. این لشکر از فرماندهانی مانند آلپ‌ارسلان چلیک بهره می‌برد که عضو MHP و گرگ‌های خاکستری است. چلیک در سال ۲۰۱۵ زمانی که نیروهایش یک خلبان روس را که هواپیمایش توسط موشک‌های ترکیه سرنگون شده بود، کشتند، به شهرت رسید.

قدرت‌گیری در سیاست ترکیه

در حالی که گرگ‌های خاکستری در ترکیه ممنوع شده بودند، در اروپا آزادانه فعالیت می‌کردند و حمایت لازم برای بازگشت خود را ایجاد کردند. از زمان تأسیس در دهه ۱۹۶۰، حزب حرکت ملی (MHP) هرگز موفقیت انتخاباتی چشمگیری نداشت. اما این وضعیت در انتخابات عمومی ۱۹۹۹ تغییر کرد، زمانی که این حزب ۱۸ درصد آراء را

کسب کرد. این موفقیت موجب تعجب رهبر حزب، دولت باغچلی، شد که پس از مرگ آلپارسلان تورکش در یک سانحه رانندگی در سال ۱۹۹۷، به رهبری حزب رسید.

واکنش‌ها به مرگ تورکش نشان‌دهنده تأثیر مداوم گرگ‌های خاکستری بر سیاست ترکیه بود. نخست‌وزیر وقت، نجم‌الدین اربکان، گفت که «خدمات وفادارانه بنیان‌گذاران گرگ‌های خاکستری همیشه شایسته بالاترین تقدیر است.» رئیس پولیس سابق، کمال یازجی‌اوغلو، نیز تورکش را «گرگ ارشد من!» توصیف کرد و افزود: «من همه چیز را از شما یاد گرفته‌ام.»

پس از انتخابات ۱۹۹۹، حزب حرکت ملی (MHP) بخشی از ائتلاف حاکم شد. در این دوره، خشونت گرگ‌های خاکستری کاهش یافت. با این حال، پس از پیروزی حزب عدالت و توسعه (AKP) در انتخابات عمومی ۲۰۰۲ و آغاز برنامه موسوم به «گشایش کردی» – تلاش دولتی برای جذب جنبش کردی از طریق اعطای حقوق دموکراتیک محدود به جمعیت کرد – گرگ‌های خاکستری هدف خود را به جامعه کرد معطوف کردند. در پارلمان، MHP مخالفت با برنامه‌های AKP را به موضوع اصلی خود تبدیل کرد و خود را تنها حزبی معرفی کرد که امتیازی به کردها نمی‌دهد.

جامعه کردها

جامعه کردهای ترکیه – که حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند – مدت‌هاست هدف خشونت گرگ‌های خاکستری بوده‌اند. در دهه ۱۹۳۰، وزیر دادگستری ترکیه اعلام کرد: «کسانی که از نژاد خالص ترک نیستند، تنها یک حق در این کشور دارند: حق خدمتگزاری و بردگی.» این دیدگاه ملی‌گرایانه افراطی در آزار و اذیت کردها و دیگر افرادی که خود را «ترک خالص» نمی‌دانند، توسط گرگ‌های خاکستری بازتاب یافته است. با این حال، این گروه به تنهایی عمل نمی‌کند؛ جنگ آنها علیه کردها به دستور دولت ترکیه انجام می‌شود.

ارتباط با دولت ترکیه

محمت ایمور، رئیس سابق بخش ضدتروریسم سازمان اطلاعات ملی ترکیه، اظهار داشت که گرگ‌های خاکستری به‌عنوان ابزاری علیه حزب کارگران کردستان (PKK) استفاده می‌شوند. ایمور گفت: «این فعالیت‌ها نمی‌تواند توسط افراد عادی انجام شود. ما [دولت ترکیه] به مردانی نیاز داریم که بتوانند استخوانها را خرد کنند.» این رابطه به گرگ‌های خاکستری امکان داده است که از مجازات فرار کنند؛ حتی برای قتل حداقل ۶,۰۰۰ کرد طی شش دهه گذشته. عبدالله چاتلی، یکی از اعضای ارشد گرگ‌های خاکستری که در سال ۱۹۷۸ از ترکیه فرار کرد، پس از کودتای ۱۹۸۰ توسط سازمان اطلاعات ترکیه به‌طور مخفیانه جذب شد تا جنگ دولت علیه کردها را پیش ببرد. در عوض، دولت از قاچاق مواد مخدر چاتلی چشم‌پوشی کرد. او تنها نبود؛ با تغییر هدف اصلی ضدچریک‌ها به کردها در دهه ۱۹۹۰، اعضای گرگ‌های خاکستری نقش محوری در عملیات ضدکرد ایفا کردند.

در سال ۲۰۲۱، گرگ‌های خاکستری به یک خانواده کرد در شهر قونیه حمله کردند. آنها با سر دادن شعار «ما گرگ‌های خاکستری هستیم، نمی‌گذاریم اینجا زندگی کنید»، با چاقو و سنگ حمله کردند. از شش نفری که در این حادثه بازداشت شدند، حداقل چهار نفر بدون هیچ اتهامی آزاد شدند. یکی از قربانیان گفت: «اکنون دیگر کاملاً روشن است که برای کردها هیچ عدالتی وجود ندارد.»

پیمان با اردوغان

حزب حرکت ملی، که در «گشایش کُردی» شرکت نکرد، زمانی که اردوغان مذاکرات صلح با PKK را آغاز کرد، حملات خود را به نخست‌وزیر وقت تشدید کرد. در یکی از اعتراضات سال ۲۰۱۳، گزارش شد که گرگ‌های خاکستری خشمگین شعار می‌دادند: «بگو حمله کنیم، حمله می‌کنیم! بگو بمیریم، می‌میریم!» دولت باغچلی، رهبر MHP، در پاسخ گفت: «نگران نباشید، زمانش هم خواهد رسید.»

پس از فروپاشی آتش‌بس PKK و ترکیه در سال ۲۰۱۵، حزب عدالت و توسعه اکثریت خود را در انتخابات مارچ همان سال از دست داد. به‌جای توافق برای ائتلاف، این حزب انتخابات جدیدی برای نومبر اعلام کرد و در این مدت به سمت ملی‌گرایان افراطی و حزب حرکت ملی گرایش پیدا کرد. این اتحاد به اردوغان کمک کرد تا اکثریت پارلمان را در انتخابات نومبر ۲۰۱۵ بازیابد.

در سال ۲۰۱۷، گرگ‌های خاکستری و MHP از تلاش‌های اردوغان برای تغییر قانون اساسی ترکیه به‌منظور افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری حمایت کردند. حمایت گسترده گرگ‌های خاکستری در موفقیت اردوغان نمایان بود، به‌ویژه در همه‌پرسی که در آن ترک‌های مهاجر با اختلافی چشمگیر بیشتر از رأی‌دهندگان داخلی به تغییرات قانون اساسی رأی دادند.

نفوذ در سیاست و مصونیت قانونی

این اتحاد همچنین به گرگ‌های خاکستری مصونیت دولتی بخشید. آزادی علاءالدین چاکجی نمونه‌ای از این مصونیت است. چاکجی، یکی از اعضای ارشد گرگ‌های خاکستری، پس از کودتای ۱۹۸۰ به اتهام قتل ۴۱ چپ‌گرا دستگیر شد. پس از آزادی، او توسط سرویس اطلاعات ترکیه به‌عنوان آدمکش استخدام شد و چپ‌گراها و گروه‌های طرفدار کُردها را هدف قرار داد. او در سال ۲۰۰۴ به چندین قتل محکوم شد و به ۱۹ سال زندان محکوم شد. حتی از زندان نیز تهدید به مجازات خبرنگارانی کرد که جرایم او را افشاء می‌کردند.

در سال ۲۰۲۰، به درخواست باغچلی، چاکجی آزاد شد. باغچلی او را «برادری که کشورش را دوست دارد» توصیف کرد.

به گفته جان دوندار، روزنامه‌نگار ترک: «اردوغان طبل را می‌زند، اما باغچلی ضربه می‌زند.» گرگ‌های خاکستری، با حمایت و مصونیت دولت ترکیه، نفوذ گسترده‌ای یافته‌اند و شبکه‌های بین‌المللی خود را با هزاران عضو تقویت کرده‌اند.

۰۹ جنوری ۲۰۲۵